

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1391/12/14



بحث واسطه ها در تنجس
بحث منجسیت متنجس با واسطه. محل نزاع در بحث این است که اگر متنجس از جوامد باشد و واسطه هم بخورد آیا این متنجس منجس هست یا نیست؟
تفکیک واسطه جامد و مایع
اما در مایعات گفته شد که متنجس منجس هست هرچند با واسطه و وسائط باشد و در جوامد متنجس منجس است اگر بدون واسطه باشد.
بحث در جامد متنجس خشك شده و سپس ملاقی با رطوبت است
بحث فقط در این است که متنجس از جوامد است و با واسطه، آیا متنجس با واسطه هم منجس هست یا نیست؟ مثلاً فرش متنجس شده است به توسط زمینی که متنجس شده بود توسط نجسی و بعد این فرش بعد از تنجس و پس از خشك شدن، آیا منجس هم هست؟ اگر پا و دستتان با رطوبت به این فرش متنجس که يك واسطه خورده اصابت کرد، آیا تنجیس به عمل می آید یا متنجس جامد فقط در آن صورت منجس است که بدون واسطه باشد.
اقوال در مسئله
اما اقوال: دو رأی در این رابطه وجود دارد: رأی مشهوری قریب به اجماع و رأی خلاف مشهور قریب به نادر.
رأی مشهور و ادله آن
اما رأی اول بر این است که متنجس منجس هست اطلاقاً با هر قدر واسطه ای که باشد و مایع باشد یا غیر مایع. این رأی اول ادله ای دارد که از این قرار است: 1. شهرت قریب به اجماع.
استفاده از اطلاقات مقامی نصوص مربوط به جامدات

2. اطلاقات نصوص. که گفته بودیم نصوص دال بر منجسیت متنجسات مایع و نصوص دال بر منجسیت متنجسات جامد. دسته اول نصوصش عمدتاً کتاب وسائل الشیعه جلد 1 باب 1 ابواب اسئار از حدیث شماره 1 تا حدیث شماره 4 و نصوص دال بر منجسیت متنجس جامد روایاتی بود که درباره ظروف و اوانی آمده بود که از این جمله این روایات باب 13 و باب 51 و باب 53 و باب 70 ابواب نجاسات که شرحش گذشت. گفته می شود که از اطلاق این روایات و ترك استفصال این مطلب به دست می آید که متنجس منجس هست واسطه داشته باشد یا نداشته باشد. مورد جایی است که نیاز به تفصیل دارد که این متنجس منجس هست بدون واسطه یا با واسطه؟ و ترك استفصال نتیجه اش اطلاق مقامی است. پس از اطلاقات مقامی هم مطلب استفاده می شود و مشهور هم هست و متن کتاب عروه الوثقی هم همین است «الاقوي ان المتنجس منجس كالنجس»

استناد به حسنه زراره در متنجس بودن ولو با واسطه

سید الاستاد [1] می فرماید: بهترین استنادی که در این رابطه امکان دارد عبارت است از استدلال برای اثبات منجسیت متنجس مطلقاً به روایت حسنه زراره که ما صحیحه می گوئیم. امام باقر علیه السلام وضوی رسول الله را حکایت می کند که اینگونه روایات را روایات بیانیه می گوئیم. می گوید پیامبر ظرف آبی را آورد و دستایش را بالا زد و دست راستش را برد زیر آب و خواست وضو بگیرد با يك كف آب فرمود: «هَكَذَا إِذَا كَانَتْ الْكُفُّ طَاهِرَةً» [2]. اگر دستت پاک باشد و متنجس نباشد همین طور زیر آب ببر و وضو بگیر. مفهوم شرط این است که اگر طاهره نباشد، زیر آب قلیل ببری آب متنجس می شود و وضو جایز نیست. می گوید اطلاق دارد، كف طاهره باشد یعنی متنجس نباشد. با يك شرح کوتاه و دقت مختصر واسطه اینجا معلوم می شود مثلاً شما دو تا ظرف آب هست ظرف شماره 1 و ظرف شماره 2، ظرف شماره 1 متنجس است و نجس نیست و شما دستتان را بردید داخل آن آب شماره 1 که متنجس بود دستتان متنجس شد چون متنجس بدون واسطه منجس هست قطعاً اما يك متنجس آب بود و يك متنجس هم دست شما، الان این دستتان را ببرید داخل آب پاک قلیل که می خواهید وضو بگیرید چون متنجس بود نمی توانید وضو بگیرید برای اینکه روایت گفت «إذا كانت طاهره» و متنجس است. دست که متنجس هست این آب دومی هم وضو نمی شود گرفت یعنی متنجس است پس دو واسطه خورد: دست و آب دوم. پس این روایت دلالت کرد بر منجسیت متنجس و لو بالواسطه.

اشکال مرحوم خویی به دلالت روایت زراره

پس از ذکر این روایات در جهت اثبات مدعا ایشان يك فرمایش دارد که مشکل ساز می شود که می فرماید: این روایات که منجسیت متنجس بالواسطه را ثابت می کند يك طرف آن به مایع مربوط است که آب است و مایعات است پس دلالت دارد بر منجسیت متنجسات مایع هست و در مایعات نصوص داشتیم و اختلافی هم نداشتیم که متنجس مایع منجس است اطلاقاً ولو با وسائط کثیره.

استناد به اجماع مرکب در ما نحن فیه

بعد می فرماید: می شود تمسك به ذیل اجماع بکنیم اجماع مرکب که بگوئیم نصوص و اجماعات که دلالت دارند بر منجسیت متنجس مایع بالواسطه، بر منجسیت متنجسات جامد هم دلالت می کنند چون قول به فصلي نیست. مایعات و جوامد که متنجسات بود تحت

يك عنوان است و همه متنجات هستند. اجماع مركب نتیجه اش این می شود که قول سوم نداریم که یا هر دو بخش متنجات منجس هستند و یا متنجات منجات نیست و در صورتی که منجسیت متنجات مایع را ثابت کردید، منجسیت متنجات جامد هم ثابت می شود.

توضیح اجماع مركب یا عدم قول به فصل

سوال و جواب: از اطلاق استفاده نمی کنیم از همان قدر متیقن آن استفاده می کنیم. می گوئیم اجماع مركب است و اجماع مركب مساسی به اطلاق ندارد. اجماع مركب این است که قسم سوم نداریم یا مثبت است یا منفی و بعضی مثبت و بعضی منفی نیست. اجماع مركب این است که فاصله بین دو بخش را ایجاد نکند و فاصله را ترکیب کند که یا هر دو منجس است یا هر دو منجس نیست و جدا نیست که يك قسمتی منجس باشد مایعات و يك قسمتی منجس نباشد جوامد و اجماع ترکیب درست می کند.

سوال و جواب: اجماع مركب تعبیر دیگرش عدم قول به فصل است مثلاً کسی می گوید که نماز جمعه واجب است و کسی می گوید که نماز جمعه بدون امام واجد الشرائط حرام است، این دو قول هست و قول سوم نیست. این را که ترکیب کنیم اثرش این می شود که قول به فصل نیست یعنی اینگونه نیست که بگوئیم مستحب است یا مکروه است. يك قول می گوید کل متنجات منجس است و قول دیگر می گوید که غیر مشهور و نادر است که متنجات منجس نیست. اگر ما ثابت کردیم منجس بودن بعضی از متنجات را پس کل متنجات ساقط می شود براساس عدم قول به فصل. این اجماع مركب در صورتی می آید که به تعبیر شهید صدر مبدأ انسجام حاکم و قائم باشد. مبدأ انسجام یعنی وحدت موضوع از حیث خصوصیت و اهمیت. اما اگر دو تا موضوع اهمیت و خصوصیتش فرق کرد، وحدت در مبدأ نیست و انسجام در مبدأ نیست و می گوئیم مایعات خصوصیت دارد و همین که خصوصیت برای مایعات درست کردید دیگر اجماع مركب در کار نیست و تسریه معنا ندارد و انسجام در مبادی وجود ندارد. در این رابطه سید می فرماید: دلیلی داریم که این دلیل ما را هدایت می کند که مایعات خصوصیت دارد و در مایعات برای اینکه مسئله تنظیف در کار هست و تطهیر به توسط میاء و مایعات و شرب در کار هست، لذا مایعات دارای خصوصیت است. آن خصوصیتش موجب می شود که تنجیس بالواسطه هم تسری داشته باشد.

استناد به صحیحہ بنظری (از شیوخ ثلاث) بر خصوصیت مایعات در تنجس

شاهد این مدعا صحیحہ احمد بن محمد بن ابی نصر بنظری که از شیوخ ثلاثه است که روایتی از امام رضا علیه السلام نقل میکند: «مَنْ اغْتَسَلَ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي قَدْ اغْتَسَلَ فِيهِ فَأَصَابَهُ الْجَذَامُ فَلَا يُلَوِّمَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ» [3] اگر کسی به ابی غسل کند که غسل در آن شده باشد، اگر به آن شخص غسل کننده در آن آبی که غسل شده است اگر به آن شخص مرض بیماری جذام رسید فقط خودش را محکوم کند که چرا به همچنین آبی غسل کردم. پس معلوم می شود اب خصوصیت دارد که نظافت آب شدیداً رعایت بشود. لذا ما گفته ایم که اگر آن خصوصیتی که در نظافت آب و طعام از سویی روایات اهل بیت آمده، اگر این را دنیای علم دقیق کند، بالاترین برنامه بهداشتی به روز دنیاست. لذا گفته می شود اگر کسی مستحبات و مکروهات را رعایت بکند اصلاً مریض نمی شود. بنابراین از اجماع مركب نمی توانیم استفاده بکنیم.

ادله قول عدم منجسيت متنجس بالواسطه
اما ادله قول به عدم منجسيت متنجس بالواسطه:
عدم دليل

1. عدم دليل. دليل خاصي بر منجسيت متنجس جامد بالواسطه نداريم و اصاله الطهاره جريان دارد. 2. با اينکه اصابت متنجس بالواسطه محل ابتلاء بوده در تاريخ، مي بينيم در نصوص توجهي نشده که امام(ره) اشاره مي کند در بدو اسلام مردم با آن بي احتياطي با متجسات مشغول بودند و نص و دستوري نيامده که در آن رابطه تذکري بدهد.

سمحه و سهله بودن شريعت

3. که امام خميني [4] اشاره مي کند سهولت شرع «بعثت علي شريعه سمحه سهله». اگر کل متنجسات منجس باشد شريعت سهله نيست و شريعت صعب مي شود.

لغو شدن صدور احکام

4. لزوم لغويت. چون اگر کل متنجسات منجس باشد، امثال ممکن نيست و موجب لغويت حکم شرعي مي شود. شرع حکمي را مي گويد که قابل امثال باشد و اگر قابل امثال نباشد بيان حکم مي شود لغو.

سيره مردم بر عدم اجتناب

5. سيره مردم عدم اجتناب از متنجسات با وسائط.

عدم سرايت متنجس

6. در متنجسات جوامد با وسائط سرايت احراز نمي شود بلکه علم به عدم سرايت داريم مضافا بر رواياتي که دلالت دارند بر عدم منجسيت متنجس. اما تحقيق اين است که دليل اول و دوم که مي فرمايند عدم دليل و عدم توجه در نصوص، با مطالعه اين اشکال حل مي شود. نصوص دال بر منجسيت متنجس که داراي اطلاق هست و اطلاقات براي ما کافي است. و پس از داشتن نصوص در حد تواتر هم نصوص درباره مايعات و نصوص درباره جوامد و با آن اطلاق مقامي، ما جايي براي اين نداريم که بگويم در نصوص بيان نشده است و اطلاقات کافي است منتها فهمش اجتهاد مي طلبد. و اما لغويت که گفته شد آن قدر متنجسات که منجس باشند با واسطه، زياد خواهند بود که قابل امثال نيست و موجب لغويت مي شود، جوابش اين است که تا به آنجا که انسان قدرت دارد و حرجي و عسر نيست مکلف است و جايي که عسر و حرج باشد قاعده نفي حرج حکم را برمي دارد. اما سهولت شرع که هر کجا عسر باشد موردي و شخصي است مي گوييم عسر رافع تکليف است و سهولت به قوت خودش باقي است. اما پنجم عدم اجتناب که اکثراً لا يعقلون که اين اکثريت عوام که مسئله را توجه نمي کنند، عمل عوام که مستند حکم نمي تواند باشد بلکه متدينين بر عکس آن هست. اما سرايت در بحث هاي قبلي گفته شد اگر علم به سرايت داشته باشيم که جايي براي حکم به تنجيس نيست اما جايي را شارع تنجيس اعلام کرده و احتمال سرايت بدهيم، بايد حکم به تنجيس صادر بشود.

جمع بندي و تحقيق

اما جمع بندي و تحقيق که اقوال و فتاوا را جمع مي کنيم و رأي تحقيقي را اعلام مي کنيم. درباره جمع بندي از اقوال فقها فهميديم فتواي مشهور بر منجسيت است مطلقاً هرچند وسائط چند تا باشد بلکه قريب به اجماع و در جوامد و مايعات. فتواي متن هم همين است،

فتواي سيد الاستاد اين است كه فرمود مايعات بحثي در آن نيست و جوامد متنجس بدون واسطه بحثي در آن نيست اما جوامد با واسطه دليل بر منجسيت آن نداريم اما افتاء بر عدم تنجيس مشكل است و مخالفت مشهور اشكل. بنابر اين فتوا از فقهايي كه اين حقير تتبع كردم به دستم نيامد مگر از امام خميني [5] كه فتوا داده است «الاشبه عدم النجاسه» نسبت به متنجسات با وسائط كثيره كه ايشان فتواي صريح داده اند. اما تحقيق چيست كه اولين محور روايات را بررسي كنيم، رواياتي كه دال بر عدم منجسيت متنجس بود كه ان شاء الله جلسه آينده.

[1] 1. تنقيح العروه الوثقي ، جلد 3 ، صفحه 216.

[2] وسائل الشيعه ، جلد 1 ، باب 15 از ابواب وضو ، حديث 2.

[3] وسائل الشيعه ، جلد 1 ، باب 11 از ابواب ماء مضاف ، حديث 2.

[4] 1. كتاب طهارت ، جلد 4 ، صفحه 37 و 38.

[5] . كتاب طهارت ، جلد 4 ، صفحه 38.